

گفتگوهای بغداد و بارسلون و آینده سرنوشت بحرانی ایران و منطقه

حوادث منطقه بویژه بحران روزافزون عراق فراتر از جنبه داخلی و منطقه ای سرنوشت بین المللی احراز نموده و حل آن در این چارچوب چون کنفرانس بین المللی شارم الشیخ مطرح و پیگیری شده است. بعلاوه این مسئله بنحوی با خیزش چالشگرانه هلال شیعی و نگرانیهای منطقه ای ناشی از آن پیوند داده شده است و بالاخره برای ایران بعنوان محور اصلی حرکت شیعی و طالب دستیابی به سلاح هسته ای و در عین حال دخالت کننده و صاحب نفوذ در مسائل عراق، در رویدادهای مورد بحث و تعاملات سیاسی مربوط به آنها جایگاه و نقش ویژه ای از لحاظ تشدید و تسهیل بحرانیهای مذکور بویژه در رابطه با مسئله عراق رقم خورده است که بی شک فرایند خاص خود را در پی دارد. چنانکه میدانیم مسئله عراق از آغاز نگرانی های بسیاری از کشورهای منطقه را در پی داشت زیرا آنها استقرار نظام دموکراسی مورد نظر در این کشور و استفاده از آن بعنوان الگوی نمونه برای گسترش ارزشهای مردم سالاری به دیگر کشورهای منطقه از طریق تغییر ساختار سیاسی شان را تهدید جدی تلقی نموده، بر آن شدند از وجود شکاف و تعارضات فرقه ای و قومی داخلی بالقوه که بعد از برکناری رژیم بعثی بصورت بحران اجتماعی و سیاسی بالفعل سرریز نموده است در مقام بهره گیری برآمده و تا آنجا که ممکن است بطور مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد بحران استمرار و تشدید آن کوشا شوند. بخصوص کشورهای عربی منطقه که از ابتدا از فرایند برنامه دموکراتیزاسیون نگران بوده و از ترتیبات سیاسی انجام شده در عراق بشدت ناراضی بودند بر آن شدند نه تنها از شناسایی ساختار سیاسی جدید عراق خودداری نمایند، بلکه راه حمایت از مخالفان داخلی مانند بعثیون و اهل تسنن را در پیش گیرند. بدین ترتیب آنها از طریق استمرار و تشدید هرچه بیشتر بحران، آمریکا را در عراق زمین گیر نموده و با به بن بست کشاندن مسئله عراق اولا امکان اجرای برنامه خاورمیانه بزرگ را نافرجام سازند، ثانيا آمریکا را مجبور به بازنگری ساختار سیاسی موجود عراق نمایند. زیرا آنها همانطوریکه گفته شد از احراز جایگاه مسلط شیعیان در ترتیبات سیاسی عراق با کاستی سرشت عربیسم عراق در نتیجه استقرار نظام فدرال و بالاخره نفوذ گسترده برخی از همسایگان عراق چون ایران شدیداً معترض و خواستار تغییر وضع موجود شدند. آنچه آنها را در تحقق این مقصود یاری نمود، همانا افزایش پیچیدگی مسئله تکنولوژی هسته ای ایران و نیازمندی آمریکا به بسیج جامعه جهانی و جلب همکاری کشورهای عربی منطقه علیه ایران بود. ادامه در صفحه دو



دکتر پرویز ورجاوند درگذشت

دکتر پرویز ورجاوند، مبارز خستگی ناپذیر راه آزادی، باستان شناس، سخنگو و عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، صبح روز شنبه نوزدهم خرداد از میان ما رفت و به پیشوا و رهبر خود، مصدق بزرگ پیوست. وی که سالیان دراز عمر و هستی خود را برای ایران و ایرانی نهاده بود، باوجود فشارهای شدید و پی در پی، زندان و احضارهای متوالی همچنان تا آخرین لحظه عمر مبارز بود و مبارز رفت. او آموزگاری مهربان و دلسوز بود که صدایش رساتر از همیشه برای دفاع از ملت ستمدیده ایران شنیده می شد. دکتر پرویز ورجاوند سراسر وجودش عشق به میهن بود و بی قرار برای آزادی وطن. فراموش نمی کنم اشک هایش را زمانی که در مراسم زنده یاد محمد مهرداد سخن از میهن زخم خورده به میان آورد. فراموش نمی کنم برافروختگی اش را مقابل کسانی که دم از تجزیه و از بین بردن یکپارچگی ایران می زدند و فراموش نمی کنم تلاشهای بی وقفه و شبانه روزی اش را برای رهایی وطن از چنگال استبداد. این شماره پیام جبهه ملی ایران آخرین پیام دکتر پرویز ورجاوند به ملت بزرگ ایران است، پیامی که با تلاشهای بی مثال ایشان، همیشه بی پروا نقد قدرت می کرد و دفاع از ملت. با قلبی سراسر اندوه و درد تا واپسین منزلگاه و سپردنش در آغوش معشوق همیشگی اش خاک ایران زمین بدرقه اش خواهیم کرد و آرزو می کنیم آرزوی همیشگی اش، آزادی وطن را، روانش شاد و راهش پاینده حمیدرضا خادم

اعتراض به برخوردهای خشونت بار خیابانی صفحه دو

بازتاب بحران اتمی ایران در سایت ها صفحه سه

اقتصاد پنهان: ((فساد مالی)) صفحه سه

قصه درهم تنیده بهره بانکی صفحه چهار

برگزاری آیین بزرگداشت سالروز تولد دکتر محمد مصدق صفحه چهار

بیست و نه خرداد سالروز کوتاه شدن دست استعمارگر انگلیس از منابع نفت ایران بوسیله جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق را به ملت بزرگ

و کوشنده ایران شادباش میگوییم

به یاد داشته باشیم که ایجاد عمده زیرساختهای اساسی کشور در تمامی بخشها در طی نزدیک به شش دهه، همه و همه به مدد درآمدهای نفت به انجام رسیده است نفتی که در جنبش ملی شدن صنعت نفت به همت و پایمردی ملت ایران ملی گردید و در اختیار حاکمیت قرار گرفت. بدون شک اگر این سرمایه کلان به گونه ای آگاهانه و کارشناسانه برنامه ریزی می شد و بدست مدیریتی توانا و متکی به ملت بکار گرفته شده بود امروز کشور ایران جزء پانزده کشور قدرتمند اقتصادی جهان قرار میداشت نه آنکه چهل درصد مردم آن در زیر خط فقر و درماندگی بسر میبردند و فساد و بحران از همه سو جامعه و یکپارچگی و استقلال کشور را بشدت تهدید کند.

گفتگوهای بغداد و بارسلون و آینده سرنوشت بحرانی ایران و منطقه

چون تکنولوژی هسته ای در پی خواهد داشت. بخصوص با توجه به اینکه در قطعه‌نامه های 1737 و 1747 شورای امنیت تاکید گردیده که باب مذاکرات دیپلماتیک همواره باز خواهد بود و ایران به انجام این امر بشدت ترغیب شده است. بعلاوه برخی از دولتهای عضو گروه پنج بعلاوه یک برآنند که با توجه به دستیابی ایران به غنی سازی اورانیوم در سطح محدود، قرین مصلحت است که در مذاکرات آینده این واقیعت برای نیل به توافق مورد بحث، مد نظر قرار گیرد. بویژه درج این نکته در طرح پیشنهادی دولت سویس و نظر پیشنهادی البرادعی مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی و حمایت وزیر خارجه روسیه از یکسو و پیشنهاد ایران دانه به تشکیل کنسرسیوم بین المللی غنی سازی در خاک ایران با مشارکت دیگران از سوی دیگر، ممکن است بعنوان علامت نوینی حل این معضل تلقی میشود. بدیهی است برای آنکه مذاکرات دیپلماتیک به موفقیت دست یابد، طرفین می بایست تا حدودب مواضع اولیه و اعلام شده خود را تعدیل نمایند. البته در اینباره باید توجه شود گو اینکه دست آوردهای نسبی فنی در زمینه تکنولوژی هسته ای ممکن است تا حدودی شرایط مذاکره را برفع ایران تغییر داده باشد، ولی نباید در این امر راه مبالغه را در پیش گرفت. و از سوی دیگر نباید درباره ضعف مقطعی طرف مقابل دچار تفاسیر افراطی شد. نکته مهمتر اینکه امکان بهره جویی از وضعیت بحرانی برخی از کشورهای منطقه امر پایداری نخواهد بود، لذا خردمندی سیاسی ایجاب می نماید، قبل از آنکه فرصت یا فرصت های موجود از دست برود از آن در جهت مثبت بویژه تعدیل و بهبود روابط با قدرت فرا منطقه ای که بشدت با حضور گسترده اش در منطقه بر آنست تا در تمامی مسائل آن اعمال نظر کند استفاده شود، چه در غیر اینصورت چه بسا ممکن است استراتژی سخت افزاری فراوری ما قرار گیرد. بی شک گفتار خانم رایس وزیر خارجه آمریکا دایر بر اینکه ((ما در حال استفاده از دیپلماسی هستیم تا از رسیدن به نقطه ای اجتناب ورزیم که در آن مجبوریم گزینه ای ناخوشایند را انتخاب کنیم)) ممکن است گواه صادقی بر این احتمال باشد و دست کم نقاط و مراکز حساس از کشور به خاک و خون کشیده شود.

ادامه از صفحه اول... آنها در پرتو شرایط پیش آمده همکاری نزدیک خود با آمریکا را در قبال مسئله هسته ای ایران منوط به تغییر وضع موجود سیاسی عراق و بازنگری در قانون اساسی آن کشور اعلام داشتند. بعلاوه بمنظور خنثی کردن خطر ناشی از هلال شیعی راه همسویی با سیاست آمریکا در لبنان بویژه علیه حزب الله را در پیش گرفتند. از سوی دیگر آمریکا که اینک سیاست جلب نظر اعراب را در دستور استراتژی جدید خود در رابطه با عراق قرار داده بود، بیکیاره سیاست تهاجمی گسترده ای را در قبال ایران در پیش گرفت. از یک سو ایران بعنوان عامل اصلی بحران های داخلی عراق معرفی گردید. در این باره نه تنها گروههای رادیکال و تند رو شیعه بلکه برخی از گروههای سنتیزه جوی سنی نیز مورد حمایت ایران دانستند. از سوی دیگر ایران بعنوان محور هلال شیعی تهدید جدی برای امنیت منطقه بویژه کشورهای عرب صاحب جمعیت شیعی یا اقلیت شیعی تلقی گردید. و بالاخره قصد و نیت مقامات جمهوری اسلامی برای دسترسی به سلاح هسته ای نیز تهدید جدی برای منطقه و جهان قلمداد گردید. خلاصه آنکه اتخاذ استراتژی تهاجمی گسترده از سوی آمریکا در قبال ایران را میتوان مبتنی بر هدفی دو سویه تلقی کرد. از یکطرف آمریکا بر آن است در سایه استراتژی تهاجمی سیاسی، خط مشی نرم افزاری را در جهت تعدیل روابط با ایران در رابطه با حل بحران عراق در پیش گیرد و ایران را در تعهدات جدید ناظر به عراق متعهد سازد. در انجام این مقصود دو گام اساسی برداشته شد. اولاً شرکت ایران در کنفرانس بغداد در سطح کارشناسان کشورهای همسایه دور و نزدیک عراق و حضور در کنفرانس بین المللی شارم الشیخ و تایید اصول مندرج در اعلامیه نهایی آن که در واقع تامين کننده نظرات دولتهای عربی تلقی شده است که عبارتند از: بازنگری در قانون اساسی عراق، همراه با بازنگری در استراتژی بحث زدایی و بین المللی کردن مسئله عراق. بعلاوه مذاکرات دو جانبه بین سفراء آمریکا و ایران در بغداد که طرفین آن را مثبت تلقی نموده و خود را نسبت به اجرای عملی آن متعهد ساخته اند. گویانکه تفاهم نسبی در مورد عراق، فقط ناظر به مسائل این کشور بوده است و پس، ولی بی شک موفقیت آن بازتاب نسبی خود را در عرصه های دیگر اختلافات

اعتراض به برخوردهای خشونت بار خیابانی

برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. اصل بیست و دوم همان قانون مقرر میدارد، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل سی و دوم همان قانون: هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم قانون... اصل سی و نهم قانون مارالذکر: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. تبصره ماده ششصدوسی و هشت قانون مجازات اسلامی مقرر میدارد زناتی که بدون حجاب شرعی در معابر عمومی ظاهر شوند، به حبس از دو تا ده ماه و یا پنجاه تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. حجاب شرعی در هیچیک از قوانین ما تعریف نشده است. بنابراین اینطور استنباط می شود. و بیرون بودن مقداری از موی سر و یا رنگی بودن روسری به هیچ ماموری مجوز نمی دهد که بر خلاف موازین قانون اساسی که ذکر شد، اشخاص را دستگیر کنند چه رسد به اینکه آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و به آنها صدمه جانی بزند. در هیچ قانونی ذکر نشده که اگر پسران یا استین کوتاه در معبر ظاهر شوند باید مجازات شوند. نیروی انتظامی بر اساس چه قانونی پسرانی را که با آستین کوتاه میگردند یا با لباس رنگین و یا با مارک خارجی به تن دارند بازداشت می کنند؟ این اعمال، همه نه تنها بر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است، بلکه بر خلاف موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و همه اصول حقوق مدنی و شهروندی تابعان ایران است.

ما در اعلامیه های مختلف تا کنون نسبت به رفتارهای خشونتبار نیروهای انتظامی - امنیتی در برخورد با گردهمایی های حق طلبانه زنان، آموزگاران و دبیران، کارگران، دانشجویان و... مراتب اعتراض شدید خود را ابراز داشته ایم و خواستار توقف اینگونه برخوردها و بازداشتهای تجاوزگرانه مغایر با ابتدایی ترین اصول حفظ حقوق بشر شده ایم. با اوج گیری دوباره برخوردهای خیابانی با زنان و جوانان، یکی از حقوقدانان سرشناس و از استادان دانشگاه، نوشته زیر را درباره جرم دانستن اینگونه رفتارها برای نشریه پیام جبهه ملی فرستاده اند که برای آگاهی هموطنان عزیز به چاپ آن می پردازیم:

جناب آقای دکتر... همانطور که مسبوق هستید، نیروهای انتظامی در اوائل اردیبهشت ماه سال جاری به بهانه مبارزه با مفاسد اجتماعی دختران و پسران بسیاری را دستگیر کرده و برخی از آنها را مورد ضرب و حتی جرح قرار داده و بازداشت کرده و روانه دادرها کرده اند. آنقدر خشونت شدت داشته است که ریاست قوه قضاییه و معاون دادرهای تهران به آن اعتراض کرده اند. از لحاظ حقوقی این عمل تخلف محسوب میشود، بطوریکه برخی از مقامات نیروی انتظامی و قضایی عمل برخی از ماموران نیروی انتظامی را در سرکوب جوانان تخلف به حساب آورده اند، اما ضرب و جرح اشخاص توسط مامورین دولت تنها تخلف نیست، بلکه جرم است. اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر میدارد دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ایجاد زمینه های مساعد

دیگران در تولید سوخت هسته ای با ایران مشارکت**کنند»**

وظایف خود عمل کند و همه فعالیت‌های مرتبط با فرآوری اورانیوم را متوقف سازد تا تعامل با آن کشور امکانپذیر گردد. وزرای خارجهی گروه ۸ تأکید کردند که از برنامه‌ی اتمی ایران «عمیقاً نگران» هستند و همزمان آمادگی خود را برای گفت‌وگو با ایران اعلام کردند. در بیانیه‌ی وزیران گروه ۸ آمده است: «ما طرفدار یافتن راه‌حلی مشترک برای مناقشه هستیم. در عین حال خود را به یافتن راهی برای ارائه‌ی کمک‌های فنی به برنامه‌ی هسته‌ای ایران متعهد می‌دانیم.»

اقتصاد پنهان: «فساد مالی»

با انتشار گزارشی درباره دست داشتن «موسسه بهزیست بنیاد» در قاچاق پوشاک خارجی و تحت تعقیب قرار گرفتن یکی از نزدیکان رییس جمهوری ایران در این پرونده، روزنامه تهران امروز، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، روز شنبه، دوازدهم خرداد، نوشت که یکی دیگر از موسسات تابعه سازمان بهزیستی، تحت عنوان «بهزیست پترولیوم» نیز در «قاچاق محصولات پتروشیمی» دست داشته است. موضوع فساد مالی در سازمان بهزیستی از آنجا مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت که سایت اقتصاد پنهان، ارگان خبررسانی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، روز دوشنبه، هفتم خرداد، از «کشف یک شبکه بزرگ قاچاق تحت پوشش امور خیریه» خبر داد. این سایت دولتی گزارش داد: «یکی دیگر از شبکه‌های بزرگ قاچاق پوشاک که با سوء استفاده از معافیت خاص جهت انجام امور خیریه در حجم وسیع اقدام به قاچاق پوشاک می‌کرد، با تلاش پلیس آگاهی تهران بزرگ کشف شد.»

ائتلاف حامیان دولت در شوراها و «رسوایی مالی»

سایت اقتصاد پنهان، بدون انتشار نام شرکتی که در قاچاق پوشاک خارجی دست داشته، نوشته بود: «شرکت متخلف که موقوفه خاص سازمان بهزیستی است، با استفاده از معافیت قانونی آن سازمان، پوشاک خارجی قاچاق را در خارج از کشور از قاچاقچیان، دریافت و در ازای واردات آن به داخل کشور، با استفاده از ۱۰۰ درصد معافیت گمرکی، اقلام مزبور را پس از ترخیص از گمرک و در قبال دریافت مبلغی حدود (یک سوم) عوارض گمرکی در داخل کشور، به قاچاقچیان تحویل می‌داده است.» پس از انتشار این گزارش، روزنامه شرق خبر داد که شرکت متهم به دست داشتن در قاچاق، «بهزیست بنیاد» نام دارد و اعضای اهیات مدیره آن نیز، به اتهام قاچاق تحت پوشش امور خیریه، تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. به نوشته این روزنامه، «شرکت بهزیست بنیاد با مدیریت محمدرضا قلی زاده شیروان، سید رستم سید آقاخان و امیر قیصرزاده، متهم به واردات انواع کالا از جمله پوشاک تحت پوشش امور خیریه است.» این روزنامه در عین حال خبر داد که این شرکت پس از عقد قرارداد با اشخاص، کالاهای آنان را تحت پوشش امور خیریه و با تعرفه صفر درصدی وارد و در ازای این اقدام، مبالغ هنگفتی دریافت می‌کرده است. شرکت «بهزیست بنیاد» پس از عقد قرارداد با یک شخص حقیقی، صدها هزار قلم کالا از قبیل گوشی تلفن، ایفون تصویری، برنج، چای، و لاستیک کامیون را با دریافت چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال، وارد کشور کرده است. در همین گزارش آمده بود که به عنوان نمونه، شرکت «بهزیست بنیاد» پس از عقد قرارداد با یک شخص حقیقی، صدها هزار قلم کالا از قبیل گوشی تلفن، ایفون تصویری، برنج، چای، و لاستیک کامیون را با دریافت چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال، وارد کشور کرده است. دخالت این موسسه وابسته به سازمان بهزیستی در «قاچاق کالا و پوشاک خارجی»، از زاویه‌ای دیگر نیز برای رسانه‌ها، ارزش خبری مضاعفی داشت: سید رستم سید آقاخان، یکی از سه مدیر این موسسه، از نزدیکان رییس جمهوری اسلامی ایران است و از نامزدان ستاد حامیان دولت در انتخابات شورای شهر تهران در آذرماه سال ۱۳۸۵ نیز بوده است.

بر اساس پیش‌بینی بیزینس مانیتور بدهی خارجی ایران در حال افزایش است، آفتاب

آفتاب: بیزینس مانیتور در گزارش سه ماهه سوم ۲۰۰۷ خود میزان بدهی‌های خارجی ایران در سال گذشته را ۲۲ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار برآورد و پیش‌بینی کرد که این میزان در سال جاری با یک میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار افزایش به ۲۳ میلیارد و ۷۲۰ میلیون دلار برسد. در این گزارش آمده است: افزایش بیش از دو میلیارد دلاری مجموع بدهی‌های خارجی ایران در سال ۸۷ منجر به ثبت رقم ۲۵ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار برای این شاخص خواهد شد که با کمتر از دو میلیارد دلار افزایش این شاخص در سال ۸۸ به ۲۷ میلیارد و ۲۷۰ میلیون دلار خواهد رسید. بیزینس مانیتور افزوده است: سال ۸۹ سالی خواهد بود که انتظار می‌رود مجموع بدهی‌های خارجی ایران به ۲۸ میلیارد و ۷۸۰ میلیون دلار برسد که با حدود یک میلیارد دلار افزایش در سال ۱۳۹۰ رقم ۲۹ میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار برای مجموع بدهی‌های خارجی کشور به ثبت خواهد رسید. مجموع بدهی‌های خارجی ایران در سال ۱۳۹۰ در حدود هفت میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار بیشتر از سال ۸۵ و پنج میلیارد و ۹۶۰ میلیون دلار بیشتر از سال ۸۶ خواهد بود. بنا بر اعلام این واحد، سال ۹۰ سالی است که رقم ۳۰ میلیارد دلار برای بدهی خارجی کشور پیش‌بینی شده که معادل ۲٫۷ درصد تولید ناخالص داخلی است.

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و مذاکره کننده ارشد اتمی در گفت و گویی با شبکه خبری سی ان ان ، گفت که ایران پیشنهاد کرده است برای حل مناقشه هسته ای، کنسرسیومی چندملیتی در خاک ایران، تامین سوخت نیروگاه هسته ای ایران را به عهده بگیرد. آقای لاریجانی تاکید کرد این پیشنهاد از آنجا مطرح شده که ایران نشان دهد برنامه هسته ای خود را تنها با هدف تامین انرژی دنبال می کند و قصد تولید سلاح ندارد. در حال حاضر ایران در حال گسترش غنی سازی اورانیوم است و مقام های ایرانی می گویند، هدف آنها این است که بعد از راه افتادن نیروگاه هسته ای بوشهر بتوانند برای این نیروگاه از راه غنی سازی، سوخت کافی تولید کنند. کشورهای غربی می گویند از آنجا که توسعه غنی سازی اورانیوم همزمان می تواند به ایران امکان تولید بمب هسته ای نیز بدهد، با آن مخالف هستند و شورای امنیت سازمان ملل نیز تا کنون با صدور سه قطعنامه، از ایران خواسته است که غنی سازی را متوقف کند. علی لاریجانی که به تازگی از دور دوم مذاکرات با خاور سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران بازگشته است، در مصاحبه روز شنبه خود به سی ان ان گفت که هدف این مذاکرات «رسیدن به نتیجه ای معقول» است. وی درباره نگرانی کشورهای جهان از غنی سازی اورانیوم در ایران گفت: «مسائل سیاسی فقط یک راه حل واحد ندارند و در این شرایط هم باید به دنبال راه حلهای دیگری بود که منافع هر دو طرف را دربر گیرد.» وی گفت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر راه حل های پیشنهادی خود را ارائه داده است و در انتظار انجام رایزنی درباره آنهاست که یکی از همین پیشنهادات به گفته او، مشارکت کشورهای دیگر در تولید سوخت اتمی در ایران است.

فشارهای فزاینده آمریکا

همزمان رابرت گیتس، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، روز شنبه، خواستار آن شد که جامعه جهانی، با تصویب قطعنامه های شدیدتر در شورای امنیت و تحریم بیشتر، ایران را به کنار گذاشتن مسالمت آمیز برنامه اتمی اش وادار کند. سخنان آقای گیتس در نشست سالیانه «شاتگری لا» در مورد مسایل امنیت بین المللی در سنگاپور بیان شد. در نشست های گذشته، تلاش چین برای بازسازی توان نظامی اش، مورد توجه ویژه قرار داشته است. به گزارش خبرگزاری ها، در این نشست، آقای گیتس در پاسخ به این پرسش که سازمان های اطلاعاتی آمریکا فکر می کنند چه زمان طول خواهد کشید تا ایران سلاح اتمی تولید کند؟ گفت: «سازمان های اطلاعاتی آمریکا اعتقاد دارند ایران، حداقل تا سال ۲۰۱۵ میلادی، به جنگ افزار اتمی دست خواهد یافت. اگر چه برخی فکر می کنند که این موضوع ممکن است حتی سال آینده اتفاق بیفتد.» با این حال، رابرت گیتس تاکید کرد که به دلیل به گفته او «محرمانه بودن برنامه اتمی ایران»، آمریکا «دقیقا» نمی داند که ایران چه زمانی می تواند سلاح اتمی تولید کند.

گروه ۸ ایران را به تشدید تحریمها تهدید کرد، صدای آلمان

هشت کشور صنعتی جهان ایران را تهدید کردند چنانچه در مناقشه اتمی از خود نرمش نشان نهد، تحریمها علیه آن را کشور تشدید خواهند کرد. همزمان نمایندگان ۴۳ کشور اروپایی و آسیایی خواستار همکاری ایران با سازمان ملل متحد شدند. به گزارش خبرگزاری رویترز از شهر پوتسدام آلمان، وزیران خارجهی گروه ۸، در روز چهارشنبه ۳۰ مه در بیانیه‌ای اعلام کردند اگر جمهوری اسلامی ایران غنی‌سازی اورانیوم را، آنچنانکه شورای امنیت سازمان ملل خواسته است، متوقف نسازد، از «اقدام‌های متناسب» علیه آن کشور حمایت خواهند کرد. در بیانیه‌ی وزرای خارجه‌ی گروه ۸ آمده است: ما موکداً از ایران می‌خواهیم به

قصه درهم تنیده بهره بانکی

مالیات نقل و انتقال و حتی مالیات اجاره (بدلیل انتقال ملک بغیر) نیز بعهد و وام گیرنده نگون بخت خواهد بود! که هزینه وام دریافتی را به سی و چند درصد میرساند. با این توضیح، دولت نهم که از ابتدای استقرار نسبت به کاهش نرخ بهره، وعده هایی داده بود در یک نوبت اقدام به کاهش دستوری نرخ بهره تا میزان چهارده درصد برای بانکهای دولتی و هفده درصد برای بانکهای خصوصی کرد، که این اقدام مورد استقبال وام گیرندگان قرار گرفت، ولی سپرده گذاران که اکثرا با بهره سپرده خود زندگی می کردند بشتن نا راضی شدند ولی با این حال بدلیل ریسک بالای بازار غیر رسمی پول میزان سپرده ها تغییری نداشت و با افزایش شدید نقدینگی در سال گذشته و سقوط قیمتها در بورس باز سپرده ها به بانکها برگشت. در پایان سال هشتادوپنج شورای پول و اعتبار (تنها مرجع کارشناسی تعیین نرخ بهره) رسماً اعلام کرد که در سال هشتادوشش در نرخ بهره تغییری داده نخواهد شد ولی این مصوبه توسط رئیس دولت امضا نشد بنابراین روش درست این بود که موضوع باردیگر در شورای پول و اعتبار مورد بررسی قرار گیرد، ولی بطور ناگهانی آقای احمدی نژاد، نه در هیئت دولت، بلکه در یکی از سفرهای استانی اعلام کرد که نرخ بهره را در بانکهای دولتی از چهارده درصد و در بانکهای خصوصی از هفده درصد به دوازده درصد کاهش میدهد! بدون اینکه به وظیفه و نقش شورای پول و اعتبار در این مورد اشاره ای صورت گیرد! و اصولاً مشخص شود که این کاهش پنج و دو درصدی از چه محلی باید تامین شود؟ آیا از محل سود سپرده گذاران که ضعیفترین گروه جامعه هستند، این مابه التفاوت تامین نخواهد شد یا از سرمایه بانکها (که تماماً درگیر ساختمان و سرفقلم و اثاثیه و تجهیزات می باشد) یا اینکه دولت مابه التفاوت را از کیسه ملت و از خزانه خواهد پرداخت؟ اکنون مردم، بانکها، شورای پول و اعتبار و حتی وام گیرندگان همگی درگیر این قصه درهم تنیده هستند که سرانجام چه خواهد شد؟ و نکته جالب اینکه در مقاله اصلی روزنامه اطلاعات در تاریخ نهم خردادماه در مورد کاهش دستوری نرخ بهره چنین می خوانیم: ((به فرض اینکه در کاهش دستوری سود بانکی مثلاً یک بانک خصوصی ورشکست شود چه اتفاقی می افتد...؟ چه کسی گفته است که همه بخشهای تولید و صنعت مملکت به خاطر بهره بانکی در خطر ورشکستگی باشند اما هیچ بانکی نباید زیان کند.)) طبیعی است کسانی که با ورشکستگی بانکها در اثر کاهش دستوری نرخ بهره چنین ساده اندیشانه برخورد می کنند آیا از جریان ورشکستگی صندوقهای ورشکسته قرض الحسنه اصفهان و عواقب سیاسی و اجتماعی آن که هرگز نمی تواند با ورشکستگی حتی یک بان کوچک قابل مقایسه باشد، غافل هستند، و از عواقب هجوم مردم به بانکها و ناتوانی بانکها در پاسخگویی به آنها، تصویری در ذهن ندارند؟

وقتی دادگستری جدید ایران بوسیله علی اکبر داور شکل گرفت، از کارهای ارزشمند او اصلاح معاملات موسوم به ((بیع شرط)) بود که طی آن فرد وام گیرنده، ملکی را نزد وام دهنده بعنوان بیع شرط گرو می گذاشت و اگر در سر رسید معین، وام را باز پرداخت نم کرد ملک مورد وثیقه (که بمراتب بیش از مبلغ وام ارزش داشت) بدلیل عدم انجام شرط یعنی استرداد وام دریافتی بدون هیچ تشریفاتیه او تعلق می گرفت، و اکثراً عجز وام گیرنده از بازپرداخت در موعد معین یا توافق ضمن طرفین معامله برای ثبت نشدن آن موجب چنین نتیجه غیر عادلانه ای میگردد. در آن زمان با اصلاح قانون بیع شرط، وام دهنده مجبور میشد در انقضای مدت به دادگاه مراجعه کند تا پس از طی تشریفات با انجام مزایده و فروش مورد وثیقه، وام طلبکار ادا و بقیه به نفع وام گیرنده در صندوق دادگستری نگهداری گردد. این روش تا کنون نیز در رابطه بین وام دهنده و وام گیرنده جاری است، تنها پس از انقلاب پنجاه و هفت بازار مالی غیر رسمی پول تحت عنوان مبارزه با رباخواری تعطیل و اخذ وام رسمی تنها با شرایطی از طریق بانکها میسر گردید. در دوران پس از انقلاب ابتدا قرار بود بانکها به شرط سرمایه گذاری تبدیل و تنها مجاز به مشارکت در طرح های سرمایه گذاری و سهام شدن در سود و زیان آن باشند که این به معنی تعطیل بانکها بود و بانکها چون امکان جذب سرمایه های مردم را بطور مشروط و با سود غیر تضمین شده نداشتند، به لطایف الحیل، پرداخت وام در مقابل اخذ وثیقه و گرفتن بهره معین را به اسم بانکداری اسلامی اجرایی کردند، با این تفاوت که همیشه بین بهره وام پرداختی و بهره یا سود پرداختی به سپرده گذاران، چند درصد فاصله وجود داشت که هزینه های اداری، ریسک و سود بانک را تامین می کرد. در بعد از انقلاب اولین کسی که به دستکاری سود یا بهره بانکی و بهره برداری از آن برای انتخابات پرداخت، ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور ایران بود، که عملاً با شعار بنی صدر، صد در صد، با بهره چهار درصد در انتخابات بر رقیب پیروز شد و البته مابه التفاوت وام با بهره چهار درصد و بهره واقعی از کیسه ملت و خزانه عمومی توسط بانک رهنی (مسکن بعدی) پرداخت شد. پس از آن دوره دلارهای هفت تومانی و وام کم بهره تبصره سه بودجه موجب تشویق سرمایه گذاری گردید، سرمایه گذاریهایی که بعضاً هنوز پس از چند دهه در شرکت های صنعتی بدون استفاده مانده است. در دو دهه اخیر که نرخ بهره در بازار غیر رسمی پول به شصت درصد رسیده است، وام و تسهیلات بانکی در بانکها تا حدود بیست و چهار درصد و در موسسات اعتباری تا سی درصد افزایش یافت و این موسسات اخیر که اکثراً وابسته به نهادهای مرتبط با حکومت بوده و هستند (مانند بنیاد مستضعفان و ...) بدلیل امکانات بانکها را برای اخذ وثیقه بطور قانونی نداشتند، در اقدامی عجیب اقدام به انتقال وثیقه به نام موسسه اعتباری می کنند و سپس با بهره ای نزدیک به سی درصد وام مورد نظر را پرداخت و کلیه هزینه ها و از جمله

برگزاری آیین بزرگداشت سالروز تولد دکتر محمد مصدق

روز شنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه بمناسبت زادروز دکتر مصدق گروهی از دوستان آن مرد بزرگ و رهبر جنبش ملی کردن صنعت نفت برای ادای احترام در مزار او در احمدآباد گرد آمدند. بگونه همه ساله چند اتوبوس و شماری ماشین های شخصی نمایندگان سازمانهای جبهه ملی را به محل آوردند و سپس صف بلندی از آنها در حالیکه پرچم کوچک ایران با عنوان جبهه ملی ایران را بر سینه داشتند و شاخه های گل در دست در پی گل بسته پرچم ایران بر سر مزار حضور یافتند. در میان اعضاء جبهه ملی شمار نیروهای جوان از زن و مرد چشم گیر بود و بخش عمده ای از جمعیت چند صد نفری را تشکیل می دادند. اجراء برنامه بر عهده آقای حسین سکاکی از قدیمی ترین چهره های جبهه ملی بود. سخنران نخست آقای مهندس حسین عزت زاده عضو شورای مرکزی جبهه ملی و سخنران بعد آقای دکتر مولایی استاد دانشگاه و حقوقدان سرشناس بودند که هر یک به بررسی بخشهایی از نهضت ملی و شخصیت دکتر مصدق پرداختند. سخنرانی از خطه کرمانشاهان نوشته ای را خواند که با تشویق فراوان روبرو گشت و پس از خواندن اشعاری از استاد برومند و مهدی اخوان ثالث آقای دکتر محمود مصدق نوه شادروان مصدق و رئیس هیئت امنا در سخنانی کوتاه از حضور همگان تشکر کردند و جلسه با خواندن سرود ای ایران پایان یافت. در این مراسم چهره هایی چون ادیب برومند - مهندس امیر انظام - حسین شاه حسینی - مهندس سبحانی - مهندس معین فر - خسرو سیف - خاتم دکتر اردلان - دکتر موسویان - بهمنش (با وجود سالخورگی و شرایط بد جسمی) - دکتر رجواند - دکتر مهران مهندس زعیم و شمار دیگری از فعالان سیاسی ملی حضور داشتند.

نشریه داخلی
پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آنر
تهران - صندوق پستی 15815-1149
E.mail: jebhemelliiran@yahoo.com